



تحصیلات تکمیلی

پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

عنوان:

بررسی و مقایسه‌ی داستان کودک و بزرگسال

استاد راهنما:

دکتر مریم خلیلی جهانتیغ

استاد مشاور:

دکتر محمد بارانی

تحقیق و نگارش:

صغری رحیمی غیائی


(این پایان نامه از حمایت مالی معاونت پژوهشی دانشگاه سیستان و بلوچستان بهره مند شده است)

مهر ۱۳۹۰






بسمه تعالی

این پایان نامه با عنوان بررسی و مقایسه داستان کودک و بزرگسال قسمتی از برنامه آموزشی دوره کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی توسط دانشجوی صغری رحیمی غیائی با راهنمایی استاد پایان نامه دکتر مریم خلیلی جهانتیغ تهیه شده است. استفاده از مطالب آن به منظور اهداف آموزشی با ذکر مرجع و اطلاع کتبی به حوزه تحصیلات تکمیلی دانشگاه سیستان و بلوچستان مجاز می باشد.

صغری رحیمی غیائی



این پایان نامه ۴۰ واحد درسی شناسنامه می شود و در تاریخ ۹۰/۳/۲۳ توسط هیئت داوران بررسی و درجه عالی به آن تعلق گرفت.

نام و نام خانوادگی	امضاء	تاریخ
استاد راهنما: دکتر مریم خلیلی جهانتیغ		۹۰/۳/۲۳
استاد راهنما: _____		
استاد مشاور: دکتر محمد بارانی		۹۰/۳/۲۵
داور ۱: دکتر دالعلی اویسی کهپخا		۹۰/۳/۲۳
داور ۲: دکتر اندرزا کیخای فرزانه		۹۰/۳/۲۳
هایده تحصیلات تکمیلی: دکتر محمد ناظریان		۹۰/۳/۲۳

تعهدنامه اصالت اثر

اینجانب صغری رحیمی غیائی تعهد می‌کنم که مطالب مندرج در این پایان‌نامه حاصل کار پژوهشی اینجانب است و به دستاوردهای پژوهشی دیگران که در این نوشته از آن استفاده شده است مطابق مقررات ارجاع گردیده است. این پایان‌نامه پیش از این برای احراز هیچ مدرک هم سطح یا بالاتر ارائه نشده است.

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر متعلق به دانشگاه سیستان و بلوچستان می‌باشد.

نام و نام خانوادگی دانشجو: صغری رحیمی غیائی

امضاء

تقدیم به:

پدر و مادرم
بزرگ‌ترین گنج‌های زندگی‌ام...

سپاسگزاری

انسان دانا و توانا کسی است که دانش و علم زندگی را جستجو می‌کند چرا که همه داشته‌های انسان از دانائی است و تنها کلمات هستند که به زندگی معنا می‌بخشند.

بدین وسیله از زحمات استاد محترم سرکار خانم دکتر مریم خلیلی جهانتیغ که همواره با مساعدت‌ها و راهنماییهای ارزنده‌شان مرا در انجام این پژوهش یاری رساندند ، تشکر می‌کنم.

با تشکر و تقدیر از استاد گرامی و ارجمندم آقای دکتر بارانی که مرا در انجام این پژوهش یاری نمودند و همواره چراغ راه من بودند.

و با سپاس از استاد ارجمندم، آقای دکتر محمد علی زهرا زاده که با صمیمیت خویش مرا یاری نمودند.

و با سپاس از آقای دکتر سعید حسام پور به خاطر همه‌ی الطاف بیدریغشان.

چکیده:

زمانی که در بحث انتظاراتمان از ادبیات، کانون توجه‌مان بر متن باشد، رویکردمان، رویکرد ادبی محض است و اگر کانون توجه‌مان را به مخاطب معطوف کنیم، دیدگاهمان دیدگاهی ارتباطی است؛ یعنی اینکه مخاطب باید بتواند با داستان ارتباط برقرار کند. در داستان نیز به عنوان یک نوع ادبی این مسأله صدق می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت که داستان‌ها عموماً با سن و سال مخاطبان در ارتباط هستند؛ البته نمی‌توان مرز کاملاً متمایزی برای آن‌ها ایجاد کرد؛ اما با نگاهی کلی به روحیات و خصلت‌های انسانی در سنین مختلف می‌توان بین داستان کودک و بزرگسال تفاوت‌هایی قایل شد.

با توجه به این که کودکان و بزرگسالان، هر کدام نیازها و ویژگی‌های خاص گروه سنی خود را دارند، به طور قطع هر یک داستان‌هایی را درک می‌کنند که دارای ویژگی‌های خاصی باشد که با خصلت‌ها و خصوصیات آن‌ها سازگاری داشته باشد و به بعضی از نیازهای آن‌ها پاسخ بدهد. بنابراین داستان‌های کودک و بزرگسال به این دلیل که همه از نظر نوع ادبی، در قالب داستان قرار می‌گیرند با یکدیگر مشابهت‌هایی دارند؛ اما از این جهت که متعلق به گروه‌های سنی مختلف از کودک تا بزرگسال می‌باشند، تفاوت‌هایی نیز خواهند داشت و از یکدیگر متمایزند. ساختار داستان از عناصری اساسی تشکیل شده است. این عناصر عبارت از طرح، شخصیت، زاویه دید، گفت-وگو، صحنه و درونمایه است که در اکثر قریب به اتفاق داستان‌ها وجود دارد. از دیگر عناصر ساختاری داستان، زبان است که در داستان‌های مختلف متفاوت است. با توجه به این که داستان‌های کودک و بزرگسال با هم تفاوت‌هایی محسوس دارند، در این نوشتار برآنیم تا به روش مقایسه‌ای عناصر داستان و زبان داستان را در داستان‌های کودک و بزرگسال، مورد بررسی قرار دهیم، با این هدف که تفاوت‌ها و اشتراکات این‌گونه داستان‌ها را نشان بدهیم.

واژگان کلیدی: داستان کودک، داستان بزرگسال، عناصر داستان، زبان

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	مقدمه.....
۳	فصل اول: کلیات.....
۵	۱-۱- بخش اول: ادبیات کودک.....
۶	۱-۱-۱- تاریخچه ادبیات کودک.....
۱۲	۱-۱-۲- رده بندی سنی.....
۱۷	۲-۱- بخش دوم: انواع داستان کودک و بزرگسال.....
۲۰	۱-۲-۱- داستان های کودک و انواع آن.....
۲۰	۱-۲-۱-۱- داستان های واقعی.....
۲۴	۱-۲-۱-۲- داستان های تخیلی.....
۲۹	۲-۲-۱- داستان های بزرگسال و انواع آن.....
۲۹	۱-۲-۲-۱- رمان.....
۳۱	۲-۲-۲-۱- داستان کوتاه.....
۳۳	فصل دوم: عناصر داستان.....
۳۴	۱-۲- بخش اول: طرح.....
۴۱	۱-۱-۲- آغاز داستان.....

۴۹۲-۱-۲-وسط داستان.....
۵۴۱-۲-۱-۲-تعلیق.....
۵۶۳-۱-۲-پایان داستان.....
۶۱۲-۲-بخش دوم: شخصیت و شخصیت پردازی.....
۶۳۱-۲-۲-انواع شخصیت.....
۷۲۲-۲-۲-سادگی و پیچیدگی شخصیت.....
۷۶۳-۲-۲-ایستایی و پویایی شخصیت.....
۷۸۴-۲-۲-شیوه‌های شخصیت پردازی.....
۸۴۳-۲-بخش سوم: زاویه‌ی دید.....
۹۰۴-۲-بخش چهارم: گفت‌وگو.....
۹۹۵-۲-بخش پنجم: صحنه.....
۱۰۷۱-۵-۲-زمان.....
۱۱۷۶-۲-بخش ششم: درونمایه.....
۱۲۵۶-۲-۱-طبقه‌بندی موضوعی.....
۱۳۸فصل سوم: زبان.....
۱۴۶۱-۳-محور جانشینی.....
۱۵۱۲-۳-محور هم‌نشینی.....
۱۵۵نتیجه‌گیری.....
۱۶۱فهرست منابع.....

مقدمه

وقتی از ادبیات کودک و بزرگسال سخن می‌گوییم، ویژگی‌های متن و ویژگی‌های مخاطب، دو موضوع مهم برای مطالعه هستند و بسته به اینکه چه ویژگی‌هایی را برای این دو قایل باشیم، تعریف و رویکردمان نسبت به ادبیات کودک متفاوت خواهد شد. اگر بخواهیم حاصل چنین برخوردی، مفاهیمی مخاطب و نویسنده درباره‌ی متن باشد. رویکردی خاص به ادبیات خواهیم داشت و اگر متن را مستقل از مؤلف بدانیم و برخورد مخاطب و متن را برخوردی مستقل و بی‌ارتباط به مؤلف، رویکردی دیگر را برگزیده‌ایم.

در مطالعه‌ی مباحث نظری ادبیات کودک و نوجوان در کشورمان، ردپای هر دو رویکرد به چشم می‌خورد. ما می‌توانیم به ادبیات کودک و نوجوان، بسته به انتظاراتی که از ادبیات کودک داریم، رویکردهای متفاوتی داشته باشیم. این رویکردها در یک طیف متنوع قرار می‌گیرند؛ طیفی که یک سر آن، رویکرد ارتباطی صرف به ادبیات است و سردیگرش رویکرد ادبی محض.

به عبارت دیگر وقتی از بحث انتظاراتمان از ادبیات، کانون توجه‌مان را به مخاطب، معطوف کنیم و عناصر دیگر را بر این اساس سامان دهیم، رویکردمان، رویکردی ارتباطی خواهد بود و اگر کانون توجه‌مان متن باشد، رویکردمان، رویکرد ادبی محض تلقی خواهد شد.

بنابراین به نظر می‌رسد که باید راهی میانه را در پیش گرفت و در عین اینکه آثار ادبی محض به وجود می‌آیند، باید رویکردی مخاطب‌گرا نیز داشت؛ چراکه آثار ادبی برای استفاده‌ی بشر آفریده می‌شوند و مخاطب باید قادر به درک اثر ادبی باشد. انسان در گروه‌های سنی مختلف، ویژگی‌ها و استعداد‌های خاص خویش را داراست و داستان‌های مختلف با استعداد‌های متفاوت درک می‌شوند؛ بنابراین نویسندگان نیز با در نظر گرفتن رده‌های سنی مختلف برای کودکان و بزرگسالان می‌نویسند و این مؤلفه تفاوت‌هایی را در داستان‌های کودکان و بزرگسالان پدید می‌آورد که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

تاکنون پژوهش‌هایی در خصوص داستان‌های کودک و بزرگسال و ویژگی‌های آن‌ها انجام شده و به طور پراکنده مطالبی در خصوص تفاوت‌های داستان کودک و بزرگسال نیز بیان شده است که در کتاب‌های زیر می‌توان یافت:

۱- ادبیات کودکان و نوجوانان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها)، نوشته‌ی بنفشه‌ی حجازی، چاپ سال ۱۳۷۴

۲- ادبیات کودکان اثر علی‌اکبر شعاری نژاد، چاپ سال ۱۳۷۸

۳- روش‌شناسی نقد ادبیات کودکان اثر محمد‌هادی محمدی، چاپ سال ۱۳۷۸

۴- کودکان و ادبیات رسمی نوشته‌ی صدقه‌ی هاشمی نسب، چاپ سال ۱۳۷۱

۵- مقدمه‌ای بر ادبیات کودکان اثر پیتر هانت، ترجمه و چاپ سال ۱۳۸۲

۶- بنیادهای ادبیات کودکان، نوشته‌ی کمال پولادی، چاپ سال ۱۳۸۴

- ۷-مقدمه‌ای بر ادبیات کودک، اثر حمیدرضا شاه‌آبادی فراهانی، چاپ سال ۱۳۸۲
- ۸-آشنایی با ادبیات کودکان، نوشته‌ی منوچهر علی پور، چاپ سال ۱۳۸۵
- ۹-گذری در ادبیات کودکان، نوشته‌ی لیلی ایمن و دیگران، چاپ سال ۱۳۵۸
- ۱۰-فانتزی در ادبیات کودکان، اثر محمدهادی محمدی، چاپ سال ۱۳۷۸
- ۱۱-شناخت ادبیات کودکان (گونه‌ها و کاربردها از روزن چشم کودک)، اثر دونا نورتون و ساندرا نورتون، ترجمه و چاپ سال ۱۳۸۲
- ۱۲-ادبیات کودکان، نوشته‌ی طاهره جعفرقلیان، چاپ سال ۱۳۸۴
- ۱۳-مقدمه‌ای بر فارسی نویسی برای کودکان، اثر نادر ابراهیمی، چاپ سال ۱۳۶۴
- اما تاکنون تحقیقی، به این گونه که به طور اختصاصی به عناصر و زبان داستان پرداخته باشد، انجام نشده است؛ بنابراین انجام چنین تحقیقی مورد نیاز نویسندگان جوانی است که می‌خواهند در این زمینه گام بردارند و داستان‌نویسی کودکان و بزرگسالان را وجهی همت خویش قرار دهند.
- بررسی و مقایسه‌ی ساختار و عناصر داستان که شامل طرح، شخصیت، زاویه‌ی دید، گفت‌وگو، صحنه و درونمایه است، در چهار فصل مورد بحث قرار خواهد گرفت.
- فصل اول، شامل دو بخش است که بخش اول تاریخچه‌ی ادبیات کودک در برمی‌گیرد و بخش دوم انواع داستان کودک و بزرگسال را مورد بررسی قرار می‌دهد.
- فصل دوم، مقایسه‌ی عناصر داستان و شامل شش بخش است که در آن‌ها به بررسی و مقایسه‌ی طرح، شخصیت، زاویه‌ی دید، گفت‌وگو، صحنه و درونمایه پرداخته شده است که طرح داستان مباحثی همچون کشمکش، تعلیق و انتظار و پایان و نتیجه‌ی داستان را نیز دربر می‌گیرد.
- فصل سوم، شامل بررسی و مقایسه‌ی زبان در داستان کودک و بزرگسال است و در آن به مطالعه و مقایسه-ی محور جانشینی و هم‌نشینی زبان داستان‌های مورد نظر پرداخته می‌شود.

فصل اول

کلیات

بخش اول

تاریخچه‌ی ادبیات کودک

۱-۱- ادبیات کودک

« ادبیات کودک و نوجوان عبارتست از تلاشی هنرمندانه در قالب کلام، برای هدایت کودک به سوی رشد، با زبان و شیوه‌ای مناسب در خور فهم او. » (مرتضوی کرونی، ۱۳۶۴: ۵۹)

شاید این تعریفی جامع و کامل نباشد؛ چرا که پس از قرن‌ها تحقیق و صحبت هنوز تعریفی بی‌نقص و جامع از خود ادبیات نیز صورت نگرفته است؛ اما کمال پولادی در کتاب بنیادهای ادبیات کودک، ادبیات کودک را این‌گونه تعریف می‌کند: « ادبیات کودک (که ادبیات مربوط به نوجوانان را نیز دربر می‌گیرد) شامل بخشی از ادبیات است که برای کودکان از سن پیش دبستانی تا پایان دوران نوجوانی مناسب تشخیص داده شده است. کتاب‌های تصویری، قصه‌های فرهنگ عامه، داستان‌های رئالیستی، دانستنی‌های علمی، شعر و بسیاری دیگر از نوشته‌های دیگر که از نظر چگونگی به طور خاص برای کودکان و نوجوانان مناسب است.» (پولادی، ۱۳۸۴: ۲۳)

از نگاه صدیقه هاشمی نسب، تعریف ادبیات کودک عبارت‌است از « مجموعه نوشته‌ها و سروده‌ها و گفتارهایی است که از طرف بزرگسالان جامعه، برای استفاده‌ی خردسالان فراهم آمده است. از لحاظ موضوع فرقی بین ادبیات کودکان و ادبیات بزرگسالان نیست و هر چه خارج از برنامه‌ی درسی و آموزشی مستقیم هنرمندانه نوشته و تنظیم گردد، ادبیات کودکان خوانده می‌شود. » (هاشمی نسب، ۱۳۷۱: ۱۰)

برای تشخیص ادبیات کودک و نوجوان از غیر آن، «موضوع» از اساسی‌ترین مشخصه‌هاست البته به طور کلی هر آنچه موضوع آن کودک باشد الزاماً ادبیات کودک نیست. در ادبیات کودکان به دو گونه کودک را موضوع قرار داده‌اند که آنرا به دو دسته می‌توان تقسیم نمود: ادبیاتی که « برای کودکان » و ادبیاتی که « درباره کودکان » است که متخصصان و نویسندگان به موضوعاتی اصالت و برتری می‌دهند که برای کودکان نوشته شده باشد.

« ادبیات کودک و نوجوان باید در «رو ساخت» و در « ژرف ساخت» برای مخاطب کودک و نوجوان باشد و به نیازها و ویژگی‌های واقعی و حقیقی او بپردازد.» (حکیمی و کاموس، ۱۳۸۴: ۴۷)؛ پس به صرف آنکه نثر و طرح یک قصه، ساده و کودک فهم باشد و یا قطع یا نقاشی‌های کتاب، کودکانه باشد، آنرا نمی‌توان جزو ادبیات کودکان محسوب کرد.

کمال پولادی در یک تقسیم‌بندی کلی، ادبیات کودک را به دو دسته تقسیم می‌کند:

« ۱- کتابها و سروده‌هایی که به طور مشخص و از ابتدا برای کودکان و با توجه به نیاز و کیفیت ذهنی آنها آفریده شده است.

۲- کتابها، نوشته‌ها و سروده‌هایی که در اصل برای کودکان آفریده نشده است، ولی به دلیل کیفیت خاص برای کودکان نیز مناسب است و می‌تواند مورد استفاده آنها قرار گیرد. این دسته هم شامل ادبیات عامه می‌شود که آفریننده خاصی ندارد و هم نوشته‌هایی که مخاطب آن در اصل بزرگسالان بودند، ولی برای کودکان نیز مناسب از کار در آمده و مورد استقبال آنها قرار گرفته است. «(پولادی، ۱۳۸۴: ۳۳)

۱-۱-۱- تاریخچه‌ی ادبیات کودک

بدرستی نمی‌توان مینا و زمان دقیقی برای آغاز ادبیات کودکان، مشخص نمود؛ همان‌طور که ادبیات بزرگسال، همراه با خلقت آدمی خلق می‌شود، در ذهن و روح انسان‌ها نشو و نما می‌یابد، شاید بتوان گفت ادبیات کودک نیز با خلقت اولین کودک، آغاز شده باشد تا روح او را آرامش دهد و اندیشه و تفکر او را تعالی ببخشد؛ اما آنچه از تاریخ به جا مانده است، گواهی بر آن می‌دهد که ادبیات کودکان در ابتدا شکلی شفاهی داشته و در بخش‌هایی نیز با ادبیات بزرگسال، همسان بوده است که شامل حکایات، لالایی‌ها، متل‌ها، افسانه‌ها و قصه‌هایی می‌شود که حاصل تجربیات انسان‌ها در طول تاریخ و یا خیال‌پردازی‌های آنان و بیان آرزوهای انسانی است که به صورت داستان‌ها درآمده است.

همان‌گونه که بیان شد در اکثر بخش‌ها، ادبیات کودکان با بزرگسالان، مشترک و همسان بوده است و تقسیم‌بندی در این زمینه وجود نداشته؛ چراکه در آن دوران، رده‌بندی مخاطب ایجاد نشده بود و قصه‌گوینان داستان‌ها و افسانه‌ها می‌گفتند و کودکان از میان آنها هر کدام را جالب و در خور خویش می‌یافتند، گوش می‌کردند و با آن پیوند می‌یافتند؛ البته این روند تا حدی تا دوران مشروطیت و آغاز جدایی ادبیات کودک از بزرگسال ادامه داشت؛ هر چند در این میان آثاری بسیار اندک نیز برای کودکان، وجود دارد.

«ارزنده‌ترین سندهای اسطوره‌ای در افسانه‌ها، داستان‌های پهلوانان و بازمانده آثار شفاهی مردم باستانی ایران در اوستا گردآوری شده است. این افسانه‌ها و داستان‌ها در درازای سده‌ها سینه به سینه و از نسلی به نسل دیگر سپرده شده و سرانجام در اوستای کهن به یادگار مانده است.» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۲)

«با وجود این هیچ اثر داستانی یا افسانه‌ای از آن دوران که مخصوص کودکان نوشته شده باشد، وجود ندارد و این بیانگر آن است که یا اصلاً آثار اختصاصی وجود نداشته است و آنچه آموزش داده می‌شده، همان داستان‌ها و حکایات مذهبی و عامیانه بوده یا آثاری وجود داشته و سپس از بین رفته است که به نظر می‌رسد قول اول صحیح‌تر باشد.» (شجری، ۱۳۸۴: ۳۰)

با ورود اسلام به ایران و گسترش عقاید اسلامی، تحصیل علم و دانش بر همگان - کوچک و بزرگ - واجب شد و ایرانیان تازه مسلمان را بر آن داشت تا کودکان خود را با دانش اسلامی و حکایات و داستان‌های پیامبران آشنا سازند و بدین گونه، داستان‌های دینی، وارد زندگی مردم شد و در بین کودکان و بزرگسالان رایج گشت. علاوه بر کتب و داستان‌های دینی، انواع داستان‌ها و حکایات اخلاقی در میان مردم وجود داشت که بر اساس ترتیب زمانی خلق آثار به ذکر آنها خواهیم پرداخت. با این رویکرد که آثار بیان شده تا زمان مشروطیت و جدایی ادبیات کودک از بزرگسال میان این دو طیف، مشترک بوده است.

از ابتدای تاریخ تا قرن سوم آثار چندانی باقی نمانده است؛ تنها چند بیتي از کلیله و دمنه منظوم رودکی، باقی مانده که نمی‌توان بر اساس آن به بحث پرداخت.

اگر چه امروزه به طور معمول، داستان‌ها و حکایات به صورت منثور، رایج است؛ ولی در گذشته، نویسندگان به خلق داستان‌ها به هر دو صورت منثور و منظوم مبادرت می‌ورزیدند؛ اما آنچه در تاریخچه به آن خواهیم پرداخت و در اینجا اهمیت دارد، داستان یا داستان واره بودن این آثار است.

از اولین کتب مشهور داستانی، *شاهنامه دقیقی* و *فردوسی* را می‌توان نام برد که شامل داستان‌های ایرانی و غیر ایرانی می‌باشد. از دیگر آثاری که از قرن چهارم می‌توان نام برد *سندباد نامه ابوالفوارس قنوزی* است که شامل داستان‌ها و حکایات اخلاقی و اجتماعی گوناگونی است که هم اکنون نیز داستان‌های آن برای کودکان بازنویسی شده و مورد استفاده‌ی آنان قرار می‌گیرد.

« از اواخر قرن چهارم، توجه دانشمندان و علما به مسایل تربیتی کودکان، بیشتر می‌شود و در کتاب‌های علمی و تخصصی نیز مباحثی مختص کودکان در نظر گرفته می‌شود.» (همان: ۳۹)

البته در این کتب، بیشتر از آنکه برای کودکان نوشته شود، کودکان و مباحث تربیتی آنان مورد بحث قرار گرفته است؛ از جمله این آثار بخش‌هایی از کتاب‌های *قانون، شفا و رساله‌ی تدبیر منزل ابن سینا* و یا کتاب *طهارة الاعراق ابوعلی مسکویه* است.

« در گروهی از آثار در مقدمه و یا متن به شکلی روشن از مخاطب کودک و نوجوان یاد شده است. نویسندگان این آثار بیشتر در قالب سخن و حکایت به فرزند خویش و در پی آن به همه فرزندان آن دوره پند و اندرز داده اند.» (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴: ج ۲: ۳۰)

از جمله‌ی این آثار، رساله‌ی «*بها الولد*» *غزالی* است که شامل مطالب اخلاقی و دینی و عرفانی است و یا کتاب *قابوس‌نامه*، اثر *عنصرالمعالی کیکاووس بن وشمگیر* که با زبانی شیوا، مسایل و نکات اخلاقی و دینی را برای فرزندش بیان می‌کند.

از جمله آثاری که در قرن ششم نوشته شده و به عنوان مشهورترین منابع داستانی در ادبیات کودکان مطرح است، کتاب‌های *کلیله و دمنه*، *مرزبان‌نامه* و آثار داستانی *نظامی و عطار* می‌باشد.

از مهم‌ترین کتاب‌هایی که قرون متمادی در مکتب‌خانه‌ها تدریس می‌شده و به عنوان کتاب درسی برای کودکان مطرح بوده است. کتاب گلستان، اثر گران‌سنگ سعدی در قرن هفتم است که مشحون از حکایات اخلاقی و اجتماعی است. از دیگر آثار مشهور قرن هفتم، کتاب دیگر سعدی، بوستان، و مثنوی مولانا است که دارای حکایات بسیاری می‌باشد که می‌تواند برای کودکان، مفید واقع شود.

« عبید زاکانی، شاعر نامدار و طنز پرداز قرن هشتم هجری برای اولین بار در طول تاریخ ادبیات، داستانی منظوم، شیرین، ساده، آموزنده و جذاب برای کودکان سرود که علی‌رغم گذشت قرن‌ها از آن و به وجود آمدن هزاران اثر داستانی منظوم دیگر، آن اثر هنوز لطف و جذابیت خود را در بین عوام، بخصوص کودکان حفظ کرده است. » (شجری، ۱۳۸۴: ۷۰)

از جمله آثار معروف قرن نهم، *بهارستان جامی* است که به تقلید از *گلستان* نوشته شده است. در دوران صفویه، فقیه و دانشمند نامدار این عهد، شیخ بهایی در زمینه‌هایی مختلف از جمله شعر و ادب، آثار بسیاری از خود بر جای گذاشت. کلیات او شامل چند مثنوی *نان و حلوا*، *نان و پنیر*، *شیر و شکر* و داستان منثور بلند *موش و گربه* است که شهرت و اهمیت خاصی در بین کودکان و نوجوانان کسب کرده است.

دوران قاجار نیز خالی از آثاری که کودکان را سودمند افتد، نبود از جمله این آثار، کتاب *پریشان قآنی* بود که سبکی چون *گلستان* داشت و به تبع آن دارای حکایاتی دلنشین برای کودکان و نوجوانان بود. « با ورود چاپ سنگی به ایران و بنیادگذاری چندین چاپخانه خصوصی، بخشی از ادبیات عامیانه که کودکان همواره از شنیدن آن بهره مند بودند، به شکل کتاب‌های کوچک کم‌ورق و ارزان‌قیمت به چاپ رسید و کتاب درسی مکتب‌خانه‌ها شد. » (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۵۰)

جنبش مشروطه‌خواهی، همان‌طور که در ادبیات فارسی تأثیری بسیار عمیق داشت و دیدی واقع‌بین و مردم‌گرا به آن بخشید، طبیعتاً در ادبیات کودکان نیز مؤثر واقع شد؛ اگرچه نویسندگی و سرایندگی این دست از نویسندگان برای کودکان بیشتر تفننی بود؛ ولی بهر حال اشعاری از *ایرج میرزا*، *عشقی* و *بهار* را اطفال سنین دبستانی و نوجوانان با میل بسیار می‌خواندند و هنوز هم آنچه در نوشته‌های این دوره قابل ذکر است، زبان و سبک نوشته است، گرچه در انتخاب موضوع نیز ابداعاتی دیده می‌شود. از این پس، ادبیات، وسیله‌ی سخن گفتن و درد دل کردن با مردم می‌شود، نه فخرفروشی ادیبانه و مداحی. گرچه این تغییر جهت در همه جا موفقیت‌آمیز نبود و آثار ناشیانه‌ی زیاد بوجود آورد؛ ولی بهر حال در تاریخ ادبیات مردم کشور ما نقطه‌ی عطفی است.

« انقلاب مشروطه تأثیر شگرفی بر ادبیات و به تبع آن، بر ادبیات کودکان گذاشت؛ شاعران و نویسندگان این دوره که غالباً در انقلاب نقش به‌سزایی داشتند برای اینکه بتوانند مردم را به صحنه‌های سیاسی و اجتماعی

بکشاند به زبان آنها نزدیک شدند. این توجه به ساده نویسی که از آن به عنوان « نهضت ساده نویسی » ذکر کرده اند، زمینه توجه و گسترش ادبیات کودکان را نیز به وجود آورد. « (شجری، ۱۳۸۴: ۷۰)

« یکی از مهمترین عوامل پیدایش ادبیات نو کودکان در ایران، دگرگونی در زبان ادبی مشروطه است. ادبیات مشروطه، زبان فرهنگ شفاهی و ادبیات سنتی نوشتاری کودکان ایرانی را به امروزی پیوند داد. پیدایش شیوه‌های نو آموزش و پرورش انتشار آثار آموزشی نیز به پدیداری و فراگیری این زبان یاری رساند. « (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴، ج ۳: ۲۱۸)

از سوی دیگر با شکل‌گیری جنبش مشروطه و پیدایش روزنامه نگاری، مفاهیم اجتماعی به ادبیات فارسی راه یافت و سبب شد که زبان پیرایه‌دار هر چه بیشتر به زبان خبری نزدیک شود. *ایرج میرزا* از کسانی است که در دوره مشروطیت، حکایاتی چند برای کودکان به رشته نظم کشیده است؛ از جمله آنها داستان شیر و موش، کلاغ و روباه و داستان دو موش است.

از جمله‌ی دیگر نویسندگان مشروطیت، *عبدالرحیم بن ابوطالب تبریزی* ملقب به *طالبوف* است که علاوه بر تألیفاتی که برای بزرگسالان دارد، کتاب *احمد* را برای کودکان نوشت.

رواج اصول نوین روان‌شناسی و تعلیم و تربیت که در آن، کودک را به عنوان انسانی مستقل، با نیازهای مخصوص و متفاوت از بزرگسالان در نظر می‌گرفت، زمینه را برای شناخت هر بیشتر کودکان و تشخیص نیازهای فکری و ذهنی و عاطفی آنان به وجود آورد. این شناخت موجب می شد که نویسندگان و شاعران در تهیه آثار کودکان به نیازمندی‌های درونی آنان نیز توجه داشته باشند.

جای آن است که به تأثیرپذیری ادبیات کودک ایران از ادبیات جهان اشاره کنیم که علاوه بر صنعت چاپ و نهضت مشروطه، رشد ادبیات کودک در جهان و راه یابی آن به ایران در نگرش نوین به ادبیات کودک مؤثر بود و « گسترش فرهنگ غرب از دو سو در نشر کتاب‌هایی که کودکان و نوجوانان می‌خواندند و یا کتاب‌هایی که ویژه آن‌ها بودند، تأثیر داشت: از یک سو با فراگیری ترجمه و چاپ گسترده رمان‌های غربی در دهه نخست ۱۳۰۰، شمار بسیاری از باسوادان از کوچک و بزرگ خواننده این‌گونه کتاب‌ها شدند. نوجوانان و حتی کودکان به سبب کشش و گیرایی این کتاب‌ها و نبود کتاب‌های ویژه خود، مشتاقانه به خواندن این کتاب‌ها روی آوردند. از سوی دیگر اندیشه‌مندان و دست‌اندرکاران آموزش و پرورش با آشنایی با سامانه آموزشی غرب و ادبیات کودکان در آن کشورها، به موضوع انتشار کتاب برای کودکان توجه بیشتری می‌کردند و بدین سان بر شمار کتاب‌هایی که ویژه کودکان و نوجوانان بود افزوده شد. « (محمدی و قایینی، ۱۳۸۴، ج ۵: ۱۵۹-۱۶۰)

البته « ادبیات کودک به معنای خاص کلمه، نخستین بار در انگلستان پیدا شد که به دلیل رشد صنعتی، پیدایش طبقه متوسط جدید و گسترش آموزش رسمی در میان سایر کشورهای اروپا و جهان پیشرو بود. بنابراین برای پیدا کردن ریشه‌های شکل‌گیری ادبیات کودک باید به انگلستان مراجعه کرد. رشد طبقه متوسط

در انگلستان که به آن اشاره شد به دو صورت به پیدایش ادبیات کودک و جدانشدن آن از ادبیات بزرگسالان کمک کرد: نخست از نظر دگرگونی که در تئوری ادبیات به دلیل سلیقه و رفتار این طبقه ایجاد شد و این و دیگر از نظر خرید کتاب برای کودکان خود که این طبقه از خریداران پر شور کتاب به ویژه از نوع ارزان آن بود. «(پولادی، ۱۳۸۴: ۷۴)

البته سابقه‌ی ادبیات کودک را به عنوان یک شاخه‌ی مستقل و خودآگاه، نمی‌توان از قرن هجدهم میلادی عقب‌تر برد. کسانی که سابقه‌ی ادبیات کودک را تا سده‌های میانه، دوران باستان و یا حتی ابتدای پیدایش انسان به عقب می‌برند به پیدایش مفهوم کودکی و دوران کودکی به عنوان شرط لازم پیدایش ادبیات کودک توجه نمی‌کنند. این گروه مناسب بودن برخی از آفریده‌های تخیل برای کودک را با ادبیات کودک اشتباه می‌گیرند. بسیاری از صاحب‌نظران و متخصصان ادبیات کودک، جبار عسکرزاده، معروف به جبار باغچه بان را بنیانگذار ادبیات نوین کودک در ایران، به معنا و مفهوم امروزی می‌دانند؛ زیرا او خود معلم بود و با تجربه‌ای که در کنار کودکان کسب کرده بود، آثار مربوط به کودکان را خلق کرد.

حجازی در این مورد بیان می‌کند که: «پایه‌گذاری ادبیات نوین کودکان از آذربایجان با شخصی به نام جبار عسکرزاده (باغچه‌بان) شروع شد. او در سال ۱۲۶۴ ه.ش به دنیا آمد و در سال ۱۳۴۵ درگذشت، هنرش دیدن جهان از دریچه‌ی چشم اطفال بود. باغچه‌بان در حدود سالهای ۱۳۰۰ دست‌به‌خلق خواندنیهای خاص کودکان زد. شعر گفت، داستان نوشت ولی مجموعه‌ی اشعارش به نامهای «من در دنیا آرزو دارم» و «افسانه بابا برفی» پس از مرگش به چاپ رسیدند.» (حجازی، ۱۳۷۷: ۴۶)

از سال ۱۳۲۰ تحول همه جانبه‌ای در تاریخ انتشارات ایران به وجود آمد. روزنامه‌ها و مجله‌های بی‌شماری با دیدگاه‌ها و طرز فکرهای مختلفی در اختیار مردم قرار گرفت. این نشریات اغلب برای کودکان و نوجوانان نیز صفحه‌های مخصوص داشتند و حتی نشریاتی مخصوص کودکان آغاز به کار کردند.

«در این سالها ترجمه آثار خارجی نیز رونق بسیار گرفت. سیل ترجمه در آثار مخصوص کودکان و نوجوانان نیز تأثیر گذاشت. آثار ارزنده ادبیات جهان چه در زمینه داستان و چه در حیطه کتابهای علمی و اجتماعی به فارسی ترجمه شد.» (ایمن و...، ۱۳۵۲: ۲۶)

دهه‌ی چهل، رشد بسیار گسترده‌ای در ادبیات کودک ایران به وجود آمد. «سال ۱۳۴۰ نقطه عطف دیگری در تاریخ ادبیات کودکان ایران است و در این سال، چرخشی بنیانی در کتابهای درسی پیدا شد. روش تدریس و مطالب کتابهای جدید، سن مطالعه را تقریباً سه سال پایین آورد و به این ترتیب، جمعیت کتاب‌خوان چندین برابر شد. نقد ادبی در زمینه‌ی ادبیات کودکان که با مقاله‌های مجله سپیده فردا در چند سال قبل شروع شده بود، رونق گرفت و مجلاتی چون سخن، راهنمای کتاب و بعدها نگین، فردوسی و تماشا به درج انتقاداتی در زمینه‌ی کتابها و خواندنی‌های کودکان پرداختند. رفته‌رفته کتابهای بچه‌ها موضوع بررسی و مطالعه دقیق